

# ۲۹ سال سرگرمی با مواد مخدر و حرافی مخدر!!



«سیاوش اوستا»

در هنگامه ای که جمهوری اسلامی ایران ۲۹ سالگی خود را با صرف میلیاردها تومان در سراسر کشور و برخی کشورها با خلوپار و چلوکباب جشن می گیرد، یکی از مقامات این نظام به غرب پنهانده شد

وی که در اصل هنرمندی بوده است که از سال ها پیش با چند وزارتخانه و سفارت اسلامی کاری کرده است از اطلاعات بسیار بالائی از درون رژیم و نوع عملکردهای امنیتی، سیاسی، مالی آنها برخوردار است.

این فرد هنوز به من اجازه نداده است تا هویت اصلی او را عیان کنم، اما شکی ندارم که به زودی به روی صحنه علنی رسانه های جهان خواهد آمد تا انواع متد و شیوه جاسوسی و نفوذ نیروهای اطلاعاتی رژیم را افشاء کند.

او نه تنها از همکاری های تنگاتنگ بسیاری از اپوزیسیون نماها با رژیم اسلامی آگاه است که عکس ها و فیلم ها و مدارکی مستند نیز در اختیار دارد که بسیاری از پرده ها را بالا می زند.

وی معتقد است که جمهوری اسلامی با شیوه های رندانه به طور مستقیم و یا غیرمستقیم همچنان که با جهان غرب در رابطه با اتم بازی می کند با ایرانیان مخالف و موافق نیز بازی کرده و با متدهای شیطنی خواسته و یا ناخواسته آنها را در خدمت اهداف امنیتی خود می گیرد تا به شیوه های «حرافی مربوط» مسئول سرگرمی ماها در خارج از کشور باشند.

# انجماد فرهنگ سیاسی در اپوزیسیون درون و برون مرز

محافل ناظر بر ناسامانی های اجتماعی و اقتصادی در انگلستان دریافته اند که شکاف طبقاتی و اجتماعی بیدامی کند و سرمایه داری ناب و جدا کردن های سطحی دین از سیاست و نازیدن به حقوق بشر هم هنوز راهی به حل مشکل تبعیضات نگشوده است. پس کلیسای انگلیکن به صدا درآمده که بعضی اختلافات مالی و ازدواجی مسلمانان تبعه انگلستان را باید به مدد قواعد شرع اسلام قانونی حل و فصل کرد.

شبکه BBC4 به این «حل و فصل سازنده» «بخوانید خداپسندانه» میدان داده است. که فی المثل قانون طلاق و اختلافات مالی اسلامی می تواند به ترمیم شکاف های اجتماعی و منازعات درون ملت کمک کند. قهرمان این بحث عالیجه روان ویلیامز بالاترین مقام روحانی در مذهب مسیحیان انگلیسی است که بر ۷۷ میلیون نفر از بیرون خود در این کشور ریاست و نظارت دارد.

نخست وزیر انگلیس آقای کوردون براون به نرمی برننایدو گفت: «قوانین بریتانیائی بر مبنای ارزش های بریتانیائی نهاده می شوند» و خوب که بنگریم سر سخن این عالی مقام لایتیک به دم سخن آن عالیجه کلیسائی وصل می شود. زیرا مذهب انگلیکن انگلیسی از جمله ارزش های جامعه بریتانیا است و این که حزب محافظه کار این کشور هم اظهارات آن عالیجه ویلیامز را «کم سازنده» می نامد نیز دلیل تصدیق بر همین ارزش است ولی نه به تمامی.

به سادگی می توان دریافت که هر سه مقام که نماینده چهار رکن سیاسی و مذهبی جامعه بریتانیا هستند (دو حزب سیاسی، نخست وزیر، رئیس کلیسای انگلیکن انگلستان که منتهی می شوند به مقام بی قدرت قانونی اما مؤثر ملکه انگلیس)، همگی در بحث را باز گذارده اند و این که بعضی متعصبان بنیادگرا که در همه جا هستند رئیس کلیسای کاتربری را تهدید به مرگ کرده اند هیچ دری را بر این بحث نمی بندند. زیرا انگلستان ۷۸/۱ میلیون نفر مسلمان تبعه خود مسئله دارد و باید چاره اندیشید تا وقایعی ناگوارتر از فاجعه ماه جولای ۲۰۰۵ رخ ندهد و انگهی عالی مقام ویلیامز رئیس کلیسای کاتربری به صراحت شیوه های بنیادگرایانه مسلمان های عربستان سعودی وارد می کند و می گوید شریعت اسلامی نمی تواند در انگلستان جر بر اساس حقوق تضمین شده برای کل تبعه این کشور پایدار شود.

این قضیه که جز در آغاز آن نیستیم نشان از فرهنگی دارد که بیمی از دموکراسی ندارد ولی پیوسته نگران صحت و سقم یا استقرار بیشتر است تا جامعه رو به تندخویی ها نکند و تندخویی منجر به جو خشونت نشوند.

**تحطئه قانون مشروطه:** این ما را به یاد آن روشنفکران پر هاله و نوری در ایران می اندازد که به بهانه دموکراسی قانون اساسی مشروطیت ایران را به باد انتقاد می گرفتند و می گیرند چرا که آن قانون اصل دومی داشت در متمم خود که به نحوی حرمتگذار مذهب شیعه بود و لزوم حضور نمایندگان مجتهدین را در بررسی های لویح قانونی در پارلمان ضرور می دانست و این واقعه به سال ۱۳۲۵ قمری و به امضای محمدعلیشاه قاجار بود و این همه تقریباً در عمل مورد اعتناء قرار نگرفت و درست به دلیل خود محمدعلیشاه قاجار. پس آنها که قانون اساسی مشروطیت ایران را نوشتند واقف بر ارزش های فرهنگی ما بودند و از لائسیسته کور کورانه تبعیت نکردند و آنها که رو به تجدد کردند تا به روشنگری در افکار کمک کنند خوب می دانستند که برای تحقق آرمان های مشروطه و رفتن به مردمسالاری راه درازی در پیش است و آنها که تن به نگارش سهمناک ترین قانون اساسی به بهانه انقلاب اسلامی در دادند دانسته تا ندانسته راه برای مخوف ترین نظام های سیاسی در جامعه اسلامی گشودند.

**ناشناختگی همه جانبه نظام:** نظام ولائی ایران هنوز هم شناخته جهانیان نیست این نظام نه از آن بابت که «هسته ای» دارد با «موشکی» با بُرد دراز و کوتاه تا مرز اسرائیل دارد خطرناک است بلکه به دلیل ستمی که بنام اسلام آن هم از نوع تشییعی که علم مبارزه علیه خلفای جزیه بگیر و اسلام فروش بلند کرد و امروز منتهی به بدترین شیوه مدیریت سیاسی ایران شده است خطرناک است. این نظام رانه از دید امریکای محافظه کار نو بلکه از دید منافع و مصالح مردمی که همه چیز خود را فدای روی کار آمدن و مواعید آن کردند باید نگاه کرد تا بیگانه به خانه راه نیابد و خانه از حشرات

**ورجال صدر انقلاب اسلامی:** و چون پیچیدگی های سیاسی بسیارند آقای رفسنجانی رجل صدر انقلاب اسلامی که به دست رهبر منزوی شده کم دود می کشد به بهانه انتخابات می گوید: «خودی باید رفتار کرد که مردم پر شور در انتخابات شرکت کنند» یعنی که سار از درخت پرید و آتش سرد شد. ایشان تنها نیستند آقای خاتمی که نام یاران اصلاح گرایش از فهرست نامزدان طبق قانونی که خود ایشان و امثال ایشان مسبب اند حذف شده است می گوید وضع فاجعه آمیز است و انقلاب اسلامی در خطر.

**وبانگ مرکزی:** و بیچاره روابط عمومی بانگ مرکزی که مجبور است بیوسته خبر از تورم دهد و مثلاً بگوید که در ماه دی ۱۳۸۶ نسبت به ماه مشابه سال قبل مصرف ۱۹/۲ بالا رفته ولی از تولید هیچ نگوید که جز تولید نفت از تولید چه دارد که بگوید؟

**ونسلی و لائئی:** به هر روزنامه که بنگرید بخش مهمی به گفتارهای مذهبی تسلا بخش و نصایح سبکسرانه در خط «زندگی را سخت نگیرید» و غیره وجود دارد که از جمله نایغه ای خودمانی را به کشف شکلات زندگی ایرانی امروز رسانده است که در این نسخه جنوولی پیچیده شده است:

مواد لازم برای تهیه شکلات زندگی را مرور می کنیم:  
ردیف: مواد لازم مقدار لازم  
۱- توکل به خدا به وسعت عالم  
۲- تفکر مثبت به تعداد هر فکر  
۳- تدبیر مناسب به تعداد هر اقدام  
۴- صبر و تحمل در کل مسیر زندگی  
۵- استفاده از تجربه هر چه بیشتر باشد، بهتر است

**همشهری - شماره ۲۵ دی ماه ۱۳۸۶:** مبدا فکر کنید برگرفته از یک مقاله فکاهی است. نوشته ای است بسیار جدی به هر یک از مواد که بنگرید باری منفی از فرهنگ مذهبی دارد و مقدار آنها را که توجه کنید خواهید دید همگی روی در بی مقداری و ابهام دارند. این بود که اشاره کردم به پیچاپیچی کار رسانه های نوشتاری مخالفان درون مرز که هر چه بیشتر باید به خود بیچند تا هیچی تقدیم خواننده کنند

به یقین می دانم که خالقانی در هنر نقاشی که با سرهمندی کردن یک دست بریده و خطی که از دو الف کلمه عاشورا دو قیضه شمشیر ساخته است نیز در این نظام باخبر خود نمی رسند زیرا با چسباندن دو مربع رنگی به تقلید از سبک هنر معاصر اصرار دارند خود را نو نوار جلوه دهند.

**آقای خاتمی می داند که انقلاب اسلامی در خطر است.** او اخیراً در مجمع DEVOS بود و حشر و نشرش با اروپا می رسد به عهدی که در آلمان خدمت دولت بنام اسلام و خدمت اسلام به مدد بودجه نانوخته دولت می گیرد. ایشان متوجه بحران جهانی اند و نیز متوجه بیدار شدن مردم سرزمین های اسلامی و سبک شدن بازار بنیادگرایان. ایشان می دانند که بر در و دیوار جده آگهی های تجارتی آویخته شده که چشم بنیادگرایان را بر عقده های نامرئی آنها می کشاید. ایشان می دانند که قبله بنیادگرایان وهابی که از ۱۹۴۵ نفت عربستان را به امنیت سعودیان در گرو آمریکا نهاد دیگر نمی تواند مدراس قرانی را تغذیه مالی کند تا انتحاری ها را در روغن داغ دلار به دست آمده از نفت به سراسر جهان بسپج کند و این نیرو الهام بخش انقلاب اسلامی در سراسر کشورهای مسلمان شود.

و از سوی دیگر نه تنها ملل مسلمان بلکه دولت های آنها در برابر تقاضاهای جدید قرار گرفته نه تنها در برابر امریکا یا غرب ایستادگی های معقول می کنند بلکه کل حوزه های دینی را برابر این تقاضاها قرار داده اند. آنها که دیروز نقطه ضعف بزرگ ایران را خریدن اسلحه از امریکا و غرب می دانستند چگونه امروز بیشترین سرمایه را وقف قوای انتظامی و ساز و برگ و مهمات و موشک می کنند چیزی که ابدا امکان مصرف بروز مبادا ندارد، چرا که باروت نم کشیده ای در چاشنی فرهنگ مذهبی خود دارند و نظامیان هم هشیارند.

تکیه بر اشتباهات امریکا و غرب. در مورد خاورمیانه هرگز به معنای حقیقت نظام ولائی از یاب ستمی که بر مردم کرده و حقوقی که از آنها سلب کرده است نیست. دفاع از استقلال ایران به معنای صخه نهادن بر روند سیاسی و اجتماعی نظامی که سی سال است نیروگاه بوشهر را نساخته دارد ولی هر روز نمایش قدرت



دکتر کاظم ودیعی

فناوری نظامی می دهد نیست.

غربی ها سخونک سیاسی می زند تا هر چه بیشتر در مرداب ولخرجی های نظامی به بهانه دفاع از اسلام دست وپال آنان بسته شود و عاجز باشند از مبارزه با تورم و بیکاری و درغلتنند در خرافاتی که جامعه را از تحرک باز داشته و اسیر تعصب می کند.

بنابر این اپوزیسیون درونمرزی که حضرات حجت الاسلام ها مدعی اصلاح گرائی اند به سبب تعهدی که بمبانی اصول گرائی مبهم ولی مندرج در قانون اساسی اسلامی دارد دست بسته تسلیم بیت رهبری است و چون وحشتی کاذب از باب قدرت بسیجی ها و پاسدارانی دارد از معنی تهی است و متاسفانه در سطحی برابر یا کمی بیشتر در سطح ورزشکستان به تقصیر اپوزیسیون برونمرزی قرار گرفته است. اما این به معنای نفی هسته های اصیل مبارزان درون ایران نیست.

اگر اشتباهات غرب و کوری آن در نیمقرن اخیر بر حرکات اجتماعی ایران و خاورمیانه نبود ایرانیان به روز این شوونیسم اسلامی نوع خاصه ای دچار نمی شدند ولی روسیه و چین در داد و ستد های بزرگ ممکن نیست غرب را فدای نظامی کنند که بنام دین یک دست راست و یک پای چپ مجرمی را می زند تا عدالت اسلامی را اجرا کرده باشد.

**افرق ما با دیگران؟** اما فرق اساسی در رفتار اجتماعی و سیاسی با جوامع غربی در این است که آنها ذاتاً اشتباهات خود را تصحیح می کنند و ما دائماً بر کرده های خود و بر تشخیصات بی بازده خود یا می فشاریم.

دیدیم که چگونه رئیس کلیسای کاتربری و نخست وزیر و احزاب مهم انگلستان در بحث و مبادله افکار را با مسلمان های تبعه انگلیس می گشایند و چگونه رهبران ایران باب هر نوع مذاکره را با یاران درون و رقیبای برون می بندند و می نازند به چند قطعه آهنی که هر کودک هوشمندی امروز روز می تواند از آنها موشکی بسازد و تیر و ترقه ای رها کند.

تونی بلر که به سبب قشونکشی به عراق و دنباله روی از بوش و با تجربه ای که از نبرد با بنیادگرایان ایرلندی داشت دریافت که می تواند در امر منازعان بنیادگرای فلسطینی و اسرائیلی مفید افتد و اینک باور دارد که اراده همه سوبه ای بین اسرائیلی ها و اعراب و فلسطینی ها ظاهر شده است. چگونه است که نظام ایران بعد سی سال و آن همه کشتار و قتل و غارت انقلابی و بعد جنگ تحمیلی و تجربه با حماس و چچن و غیره دلبری سیاسی برای چاوز ونزولائی می کند و سر مذاکره با مردم خود ندارد و چگونه باور می کند که روز سختی این چاوز و شعل (خالد) اند که به فریاد او می رسند.

در دنیائی که دول کشورهای عقب مانده به سبب نفت ثروتمندند و مردم آنها در فقر و بیکاری و فشار ناشی از تورم اقتصادی و غرب هم خریدار نفت است چگونه می توان فناوری غرب را صاحب شد و ادای مبارزه با غرب در آورد. می توان فولاد بود و رجز خواند ولی نمی توان گفت که فولاد شکننده نیست. نرمش آگاهانه غرب را همیشه از بحران ها هارانه و انجماد فرهنگ سیاسی ما ایرانی ها مارا بیوسته در متن بحران نگاه داشته است. قدری از این انجماد نهفته در فرهنگ مذهبی و «این است و جز این نیست» آن مذهب است نزد دیگر ملل مسلمان هم هست. بیماری فعلی عراق به جز آن بلاها که زاده اشغال است ناشی از همین انجماد فرهنگ سیاسی عراقیان است که موجب جدال اعراب و کردها و سنیان و شیعیان شده و گرنه اگر بلوغ سیاسی بود بعد رفتن صدام به راحتی می شد با یک حکومت ائتلاف ملی عذر اشغالگر را خواست. ریان کرورک سفیر امریکادر بقیه در صفحه روبرو